



## The Instance of “Confident Soul” (Nafs e Mutma’innah) in the Interpretive Narrations of the Two Major Sects of Islam\*

Abdullah Mirahmadi<sup>۱</sup>

Marjan Bavafa<sup>۲</sup>

### Abstract

The interpretation of the Holy Quran is sometimes done through the instances of revelation or the application of the narrations mentioned in the following verses. The commentators of the two major sects of Islam have mentioned different instances in some verses. . In Surah Fajr: ۲۷ one of this kind of topic where several instances have been mentioned by the interpreters for “Confident Soul” (Nafs e Mutma’innah) such like the Holy Prophet (P), the first caliph, the third caliph, Ibn Abbas while this surah is known as Surah of Imam Hossein (A.S). In addition to the narrations of the virtues of the surah, some commentators have adapted the context of the last verses of this surah to Imam Hossein (A.S). In this article, all the interpretive narrations under verses ۲۷ and ۲۸ of Surah Fajr have been analyzed and evaluated by the descriptive-analytical method and it has been determined that some of these narrations are weak in terms of authenticity. Some of the other narrations, although they are authentic in terms of authenticity, do not conform to “Confident Soul” (Nafs e Mutma’innah) in terms of concept. Several other instances are rejected due to the being Meccan of the surah, and finally, some instances are proved due to the context of the surah and the citation of the interpretation of other parts of the surah.

**Keywords:** Surah Fajr, “Confident Soul” (Nafs e Mutma’innah), Instances of “Confident Soul” (Nafs e Mutma’innah), Imam Hossein (A.S), Interpretive Narrations.

---

\*. Date of receiving: ۰۵, ۰۴, ۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۲, ۱۱, ۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (mirahmadi\_a@khu.ac.ir)

۲. Candidate of Level ۴ (PhD) in Comparative Exegesis, Rafia’h Al-Mustafa Seminary School, Tehran, Iran, (Responsible Author); (bavafa111@yahoo.com).



## مصادق «نفس مطمئنة» در روایات تفسیری فریقین\*

عبدالله میراحمدی<sup>۱</sup> - مرجان باوفا<sup>۲</sup>

### چکیده

تفسیر قرآن کریم گاهی از طریق شأن نزول یا تطبیق روایاتی که ذیل آیات بیان شده، صورت گرفته است. مفسران فریقین در بعضی از آیات، مصادیق مختلفی بیان کرده‌اند. «نفس مطمئنة» در آیه بیست و هفتم سوره فجر یکی از مصادیقی است که مفسران، افراد متفاوتی از جمله: پیامبر ﷺ، خلیفه اول، خلیفه سوم، ابن عباس و غیره را تطبیق داده‌اند. در صورتی که سوره فجر مشهور به سوره امام حسین ﷺ است. بعضی از مفسران افزون بر روایات فضیلت سوره، سیاق آیات آخر این سوره را به ایشان تطبیق داده‌اند. در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی تمام روایات تفسیری ذیل آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فجر مورد تحلیل و ارزیابی انجام گرفته و مشخص گردید که بعضی از این روایات از جهت سندی ضعیف هستند. برخی دیگر از روایات اگرچه از نظر سند صحیح هستند، اما از جهت مفهومی با «نفس مطمئنة» تطبیق نمی‌کنند. تعداد دیگری از مصادیق به سبب مکی بودن سوره مردود می‌شوند و در آخر تعدادی از مصادیق با وجود سیاق سوره و استناد به تفسیر قسمت‌های دیگر سوره اثبات می‌گردند.

**واژگان کلیدی:** سوره فجر، نفس مطمئنة، مصادیق نفس مطمئنة، امام حسین ﷺ، روایات

تفسیری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (mirahmadi\_a@khu.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، حوزه رفیعة المصطفی (س)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): (bavafa111@yahoo.com).



## مقدمه

آخرین کتاب آسمانی که برای هدایت تمام مردم نازل شده، قرآن است. به کارگیری رهنمودهای قرآن نیازمند به تفسیر آن است. تفسیر قرآن به گونه‌های مختلفی از جمله قرآن به قرآن، قرآن به سنت و غیره بیان شده است. یکی از روش‌های تفسیر قرآن به سنت، به کارگیری روایات است. روایات تفسیری به مواردی از جمله: تأویل، شأن نزول و جری و تطبیق و غیره اشاره دارند.

سوره فجر یکی از سوره‌های جزء سی‌ام قرآن است که نزد عموم شیعیان به سوره امام حسین علیه السلام مشهور است. دلیل این نام‌گذاری، روایاتی است که در فضیلت این سوره آمده که آن هم به سبب وجود آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم این سوره «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» است. این آیات به «نفس مطمئنه» - از خدا راضی است و خدا هم از او راضی است - اشاره می‌کند. بحث میان مفسران بیان مصداق «نفس مطمئنه» است. آیا همه مفسران فریقین به تطبیق امام حسین علیه السلام با «نفس مطمئنه» اشاره کرده‌اند؟ یا حداقل اکثر مفسران شیعه این تطبیق را ذکر کرده‌اند؟ براین اساس، با بررسی تفاسیر فریقین ذیل آیه مشخص می‌گردد که افراد مختلفی به عنوان تطبیق یا شأن نزول آیه اشاره شده است. در این مقاله روایاتی که مفسران ذیل آیه آورده و اشخاصی را که با آیه تطبیق داده‌اند مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

اغلب پژوهش‌هایی که پیرامون تفسیر سوره فجر صورت گرفته، در راستای معرفی یا مقایسه چندین سوره جزء سی با سوره فجر بوده است و تقریباً به میزان یک یا دو صفحه به تفسیر آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فجر که «نفس مطمئنه» در آن است، پرداخته‌اند. برای نمونه پایان‌نامه‌ای با عنوان، «تفسیر تطبیقی روایی سوره‌های فجر و بلد از اهم تفاسیر متأثر فریقین» نگاشته حسین غفوری یا مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول سوره‌های نبأ تا فجر» از محمد جعفری و هادوی را می‌توان نام برد. ولی در این مقاله به گونه اختصاصی همه روایات تفسیری مصادیق «نفس مطمئنه» در تفاسیر فریقین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

## مفهوم‌شناسی «نفس مطمئنه»

واژه «المطمئنه» از ریشه (ط م ن) به معنی سکون، آرامش و انس است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۰۲۰/۵) به کسی «مطمئنه» می‌گویند که آرامش دارد و مضطرب و پریشان نیست (فیومی، ۱۴۱۴:



۳۷۸/۲). «نفس» نیز مطلق ذات است (قرشی، ۱۳۷۸: ۴/۲۳۹). پس «النفس المطمئنه» از نظر لغت، نفسی همراه با سکون و آرامش خاطر بعد از پریشانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۵۲۵). براین اساس به خاطر آرامش نفسی که دارد بدون تردید و اضطراب فکری، آنچه را که قرآن آورده، تصدیق می‌کند و ترسی ندارد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰/۳۰). در این صورت «مطمئنه» یکی از صفات نفس است؛ چون نفس به صفات مختلفی متصف می‌شود (طیب، ۱۳۶۹: ۱۴/۱۱۴).

قرآن کریم نفس انسان را بر سه گونه؛ نفس اماره، نفس لوّامه و نفس مطمئنه بیان می‌کند (کاشانی، بی تا، ۲۴۶/۱۰). نفس اماره، انسان را به اعمال سوء مثل کفر، شرک، ضلالت، فسق و فجور وادار می‌کند (طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۴/۱۱۴). چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَزَقَنَا رَبِّي» (یوسف: ۵۳) و نفس لوّامه، خود را به انجام اعمال زشت ملامت می‌کند و پشیمان می‌شود: «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۱۰۲).

«نفس مطمئنه» کسی است که طاعت خدا را انجام و از گناهان دوری می‌کند و هنگام مرگ و روز قیامت به ثواب و نعمت‌ها بشارت داده می‌شود (طوسی، بی تا، ۳۴۱/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ۱۲/۲۲۴). پس کسی دارای «نفس مطمئنه» است که به نهایت یقین رسیده باشد و هیچ‌گونه تزلزل و اضطراب و شک و شبهه‌ای در قلب او ایجاد نشود (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵/۵۸۸). چنان‌چه حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وَلَكِنْ لِيُطْمِئِنَّ قَلْبِي» (بقره: ۲۶۰) «نفس مطمئنه» وعده‌های الهی را تصدیق می‌کند و به وعده‌های الهی اطمینان دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۳۰) و در برابر عوامل دنیایی و هواهای نفسانی دارای آرامش است و صبر می‌کند (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۳/۵) و در مقابل ناملازمات دنیا مضطرب و پریشان نمی‌شود. این ثبات و اطمینان تنها برای نفسی که دارای ایمان کامل است و پیوسته به یاد پروردگارش می‌باشد؛ ایجاد می‌شود (کاشانی، بی تا، ۲۴۶/۱۰). چنان‌چه خدای متعال می‌فرماید: «أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

کسی که نفس مطمئنه دارد، راضی به قضای الهی است (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۳/۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۸۰/۲۰). پس دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند، در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار وادار نمی‌شود و اگر دچار فقر و فقدان گردد این تهی دستی و ناملازمات او را به کفر و ترک شکر وانمی‌دارد، بلکه هم‌چنان در عبودیت پای برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۸۱/۲۰)؛ لذا «نفس مطمئنه» یکی از صفات نفس زکیه است که تالی تلو





عصمت است که هیچ آلودگی در قلبش نمی‌باشد (طیب، ۱۳۶۹: ۱۱۴/۱۴) و هنگام مرگ، او را به بهشت بشارت می‌دهند و روز قیامت صورتش سفید است و نامه عملش را با دست راست می‌گیرد (استر آبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹).

صاحب «نفس مطمئنه» در مسیر اعتقاد صحیح، تردیدی ندارد و در دنیا به آنچه رسولان آورده‌اند، یقین دارد که حق است و در اثر آن آرامش دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۴/۳۰-۳۰۱). «نفس مطمئنه» حکایت احوال کسانی است که اطمینان به ذکر خدا و طاعت او و همچنین اطمینان به دنیا دارند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۵/۱۵). فخر رازی معتقد است؛ در کیفیت این استقرار و اطمینان دو وجه یقین به حق و ایمنی از ترس و اندوه وجود دارد و هنگام مرگ این قول شنیده می‌شود: «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ» (فصلت: ۳۰) (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۱/۳۱).

مفسران در زمان اتفاق ندای آیه «یا أَيْتُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ازْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً» اختلاف دارند. اکثر مفسران، زمان ندا را در هنگام مرگ یا برانگیخته شدن از قبر یا در هنگام دخول به بهشت بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۵ ش، ج ۶، ص ۶۳۷). اما قول ضعیفی وجود دارد که: ندا همین الآن برای مؤمنین اتفاق می‌افتد و یا این ندا در موقف زمانی که اهل آتش به آتش می‌شوند، صورت می‌گیرد. بعضی از مفسران معتقدند: مانعی ندارد که ندا همه جایگاه‌ها را شامل شود (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵۸۸/۵). براساس تعاریف مختلف مفسران فریقین پیرامون «نفس مطمئنه» مشخص گردید؛ هرکسی شایستگی این مقام را ندارد؛ چون باید به سر حد یقین رسیده باشد و ایمان کاملی داشته و به قضای الهی راضی باشد. براین اساس باید مصادیقی که مفسران ذیل تبیین آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فجر آورده‌اند؛ مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد کدام یک از مصادیق شأن نزول یا تطبیق «نفس مطمئنه» هستند.

### نقد و بررسی دیدگاه مفسران فریقین در مبحث مصادیق «نفس مطمئنه»

مفسران ذیل آیه ۲۸ و ۲۷ سوره فجر «یا أَيْتُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ازْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً» با استناد از روایات، مصادیق مختلفی از جمله: پیامبر ﷺ، حضرت علی ﷺ، امام حسین ﷺ، خلیفه اول، خلیفه سوم، حمزه، حبیب بن عدی انصاری، ابن عباس و مؤمن شیعه اهل بیت ﷺ را بیان کرده‌اند. بعد از معرفی این مصادیق باید هر یک از روایات مرتبط با آنها بررسی شود تا مشخص گردد؛ کدام مصادیق، شأن نزول آیه به حساب می‌آید و کدام یک از طریق جری و تطبیق، استناد به آیه شده



است و کدام مصداق شامل آیه نمی‌شود. براین اساس لازم است اکثر روایات ذیل آیه از جهت سندی و محتوایی بررسی گردند؛ لذا به هر یک از مصادیق به‌طور جداگانه با دو بخش معصومان و غیر معصومان اشاره می‌شود.

## ۱. معصومان علیهم‌السلام

بعضی از مفسران ذیل آیه ۲۷ سوره فجر، روایاتی را بیان کردند که مصداق «نفس مطمئنه» را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امام علی علیه‌السلام و یا حتی امام حسین علیه‌السلام تطبیق داده‌اند که به هریک از روایات اشاره می‌گردد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: سیوطی مفسر مشهور اهل سنت، در بین روایاتی که ذیل آیه آورده؛ تنها یک روایت را از ابن عباس از طریق ابن مردویه نقل می‌کند که براساس آن مصداق این آیه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶). شوکانی نیز ضمن نقل این روایت، بر این باور است که مراد آیه عموم نفس‌های مطمئنه است و نزول آن درباره نفس خاص، منافاتی با عمومیت آن ندارد؛ زیرا خصوص سبب نزول نافی عمومیت آیه نمی‌شود (شوکانی، ۱۴۱۴: ۵۳۷/۵).

نقد و بررسی: از لحاظ عقلی، بدیهی است که مصداق آیه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پس از ایشان، ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و این مسئله منافاتی با عمومیت آیه و شمول آن نسبت به هر نفس مطمئنه‌ای ندارد. اگر چه بر این اساس، متن روایت کتاب الدر المنثور قابل پذیرش است، اما از لحاظ سندی دارای اشکال است. دلیل این امر نیز آن است که با جستجو در منابع متقدم تفسیری و روایی هیچ اثری از روایت فوق نیست و این روایت اولین بار توسط سیوطی نقل شده است.

امام علی علیه‌السلام: تفسیر قمی از تفاسیر اثری شیعه، تنها یک روایت نقل کرده که منظور از آیه ۲۷ سوره فجر، برگشتن به ولایت علی علیه‌السلام است: «علی بن ابراهیم از پدرش از عمرو بن عثمان از جابر از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل کرده است: هنگامی که مؤمنی وفات می‌کند، منادی از نزد خدا ندا می‌دهد: ای نفس مطمئنه! به سوی ما به ولایت علی علیه‌السلام و راضی شده به ثواب برگرد» (قمی، ۱۳۶۳ش: ۴۲۲/۲).

حویزی و بحرانی از مفسران مشهور اثری شیعه نیز همین روایت را با استناد به تفسیر قمی بیان کردند (حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۶/۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۱۱/۷). اما استرآبادی که تأویل آیات ظاهری قرآن را پیرامون فضائل عترت طاهره جمع آوری کرده؛ به تفسیر قمی استناد نموده ولی شأن نزول آیه را به امام علی علیه‌السلام نسبت داده است. استرآبادی افزون بر این روایت،



حدیث دیگری به این مضمون نقل می‌کند: «محمد بن عباس از حسین بن احمد از محمد بن عیسی از یونس بن یعقوب از عبد الرحمن بن سالم و او نیز از امام صادق علیه السلام حدیث نقل می‌کند که آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹). بحرانی نیز در تفسیرش این حدیث را بیان می‌کند و آدرس کتاب تأویل الآیات را ذکر می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵).

دیلمی در کتابش، این روایت را با سندی کوتاه، ولی محتوای کامل آورده است. او در سند، تنها به عبدالرحمن بن الحجاج از امام صادق علیه السلام اکتفا کرده و روایت را این گونه کامل کرده: «آیه (يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ\* اذِجِیْ اِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَةً\* فَادْخُلِیْ فِی عِبَادِیْ\* وَ ادْخُلِیْ جَنَّتِیْ)، به معنی نفس امیرالمؤمنین علیه السلام است که به آنچه در ولی خود دیده، راضی و به آنچه در دشمنش دیده، مرضی است» (دیلمی، ۱۴۲۷: ۱۶۷).

تفسیر فرات شیعی با یک سند دیگر به عبدالرحمان بن سالم از امام صادق علیه السلام شأن این آیه را حضرت علی علیه السلام بیان می‌کند «علی بن زهری از ابراهیم بن سلیمان از حسن بن محبوب از عبدالرحمان بن سالم» (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۴).

برای تخریج یا مستندسازی این روایت، در کتاب حدیثی حسکانی اهل سنت نیز این روایت، مشاهده گردید (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۲۹/۲).

نقد و بررسی: بررسی ارزیابی حدیث «إذا حضر المؤمن الوفاة نادى... الحدیث» مشخص گردید که این روایت مرفوع و ضعیف است. چون اولاً: روایت در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی آمده که استناد آن کتاب به قمی مجهول است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۸) و ثانیاً: با وجود اینکه عمرو بن عثمان و جابر بن یزید جعفری هر دو هم طبقه و از یاران امام باقر و امام صادق علیه السلام هستند، اما عمرو بن عثمان بر اساس دیدگاه علمای رجال از شاگردان جابر به‌شمار نیامده و به‌صورت مستقیم از او نقل نمی‌کند. (خوئی، ۱۳۹۰: ۳۳۷/۴ و ۱۲۵/۱۴) بررسی سند روایات معتبر دیگر نشان می‌دهد میان عمرو بن عثمان و جابر بن یزید جعفری دو واسطه به نام‌های ابراهیم بن ایوب و عمرو بن شمر وجود دارد. (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۱۷/۲) با این حال، در این زمینه روایت دیگری از کتب شیعه نقل شد که دیلمی سند کامل آن را ذکر کرده و برای مستندسازی نیز همان روایت از حسکانی مفسر معروف اهل سنت بیان گردید. (دیلمی، ۱۴۲۷: ۱۶۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۲۹/۲)

امام حسین علیه السلام: تفسیر قمی، تنها یک روایت در ذیل آیه ۲۷ سوره فجر در منقبت امام حسین علیه السلام بیان می‌کند: «جعفر بن احمد گفت: عبد الله بن موسی از ما حدیث نقل می‌کند، از حسن بن علی بن



ابی حمزه، از پدرش، از ابی بصیر، از امام صادق علیه السلام، در آیه: یا أيتها النفس المطمئنة\* ارجعی إلى ربك راضية مرضية: «یعنی حسین بن علی علیه السلام». (قمی، ۱۳۶۳ش: ۴۱۹/۲)  
بعضی از مفسران شیعه روایت را با ذکر سند از تفسیر قمی بیان کرده اند. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵) حتی بعضی دیگر براساس بیان علی بن ابراهیم، سند روایت را نیز ذکر نکرده اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶)

نقد و بررسی: روایت مصداق امام حسین علیه السلام اگر چه در تفسیر قمی آمده که در مورد انتساب آن کتاب به قمی، مناقشاتی وجود دارد (فتاحی زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۸) و کتب تفسیری شیعه نیز این روایت را به همان کتاب استناد کرده اند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶)؛ ولی حرّ عاملی همان روایت را با سند «جعفر بن احمد که می گوید: عبد الله بن موسی روایت کرده از حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام» در وسائل الشیعه نقل کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۱۵۵). همچنین این روایت در بحارالانوار با سند دیگری نقل شده است: «کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهرة روى محمد بن العباس بإسناده عن الحسن بن محبوب بإسناده عن صدل عن داود بن فرقد قال قال أبو عبد الله علیه السلام: . . الحدیث» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/۲۴) ولی در ارزیابی که صورت گرفته؛ سند در وسائل الشیعه، به خاطر واقفی بودن حسن بن علی بن ابی حمزه و پدرش علی مسند و ضعیف است. رجال کشی به نقل از علی بن الحسن بن فضال درباره حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی می گوید: «او دروغ گو و ملعون است. اگر چه روایات زیادی از او نقل شده و یک دوره تفسیر قرآن دارد؛ اما من به خود اجازه نمی دهم حدیث زیادی از او نقل کنم.» (کشی، ۱۴۰۹: ۴۰۵، ح ۷۵۹ و ص ۴۵۹، ح ۸۷۱ و ص ۴۶۷؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۳۵/۱) و همچنین سند یاد شده در بحارالانوار نیز به خاطر مجهول بودن محمد بن العباس، ضعیف است (ر ک خوئی، ۱۳۹۰: ۱۹۸/۱۶؛ غفوری، ۱۳۹۰ش: ۱۵۲).

براین اساس اگر چه سند روایاتی که مصداق «نفس مطمئنه» را امام حسین علیه السلام بیان می کنند؛ ضعیف است. ولی افزون بر تطبیق کامل مفهوم «نفس مطمئنه» بر ایشان، مستندات دیگری در سوره فجر بیان شده که تطبیق مصداق امام حسین علیه السلام بر «نفس مطمئنه» را تأیید می کنند که در زیر به آنها اشاره می شود:



## الف) روایات فضیلت تلاوت سوره فجر

در تفاسیر شیعه دو نوع روایت در فضیلت سوره فجر بیان شده است که هر دو، سوره فجر را سوره امام حسین علیه السلام می دانند. بعضی از تفاسیر شیعه روایتی از داود بن فرقد از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت کنید، آن سوره حسین بن علی علیه السلام است. کسی که آن را قرائت کند روز قیامت در درجه‌ای از بهشت با حسین علیه السلام است. همانا خدا عزیز و حکیم است.» بعضی از مفسران به آخر روایت «إن الله عزیز حکیم» اشاره‌ای نکردند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۳۰/۱۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۴۱۷/۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ کاشانی، بی تا، ۲۲۹/۱۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۶۷۳/۳؛ شبّر، ۱۴۰۷: ۴۰۵/۶؛ حائری، ۱۳۸۸ش: ۱۳۶/۱۲؛ نهایندی، ۱۳۸۶ش: ۴۹۲/۶؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۰۰/۱۴؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۰۲/۷).

بعضی از این تفاسیر از کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۲۳) این روایت را نقل کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۴۹/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۱/۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۱۸۵/۱۴).

نوع دوم روایات بیان می‌کند؛ رحمت خدا در این سوره است و این سوره براساس آیات انتهایی اش به امام حسین علیه السلام اختصاص پیدا کرده است؛ زیرا ایشان صاحب نفس مطمئن، راضی و مرضی هستند و یاران ایشان از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت از خدا راضی هستند و این سوره مخصوص شیعیان امام حسین علیه السلام و شیعه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در انتهای روایت، به مابقی روایت نوع اول اشاره می‌کند: «روایت شده از حسن بن محبوب به اسنادش، از صندل، از داود بن فرقد، که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خودتان قرائت کنید، که همانا سوره حسین بن علی است و به آن سوره، علاقه مند کنید که خدا به شما رحم می‌کند، ابو اسامه که در آن مجلس حاضر بود، گفت: چگونه این سوره خاص حسین علیه السلام گردیده است؟ پس [امام] فرمود: «آیا کلام خدای تعالی را نشنیدی که می‌فرماید: یا أيتها النفس المطمئنة\* ارجعی إلى ربک راضية مرضية\* فادخلي فی عبادی\* و ادخلي جنتی؟ یعنی حسین بن علی علیه السلام پس او صاحب نفس مطمئنه‌ای که راضی و مرضی است و یاران او از آل محمد (صلوات الله علیهم) از خدا در روز قیامت راضی هستند و او نیز از آنها راضی است، و این سوره برای حسین بن علی علیه السلام و شیعیان او خصوصاً شیعیان آل محمد نازل شده است. کسی که به قرائت سوره فجر تداوم داشته باشد در



درجه ای از بهشت با حسین علیه السلام است، همانا خداوند عزیز حکیم است» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۱۱/۷).

### ب) نسبت "لیال عشر" به ائمه و دهه ی محرم

بعضی از روایات «والفجر» را امام زمان (عج) می‌دانند «و لیال عشر» را ائمه که یکی یکی به قائم (عج) سرایت می‌کنند. «شرف الدین نجفی به سند مرفوع از عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی از امام صادق علیه السلام، نقل می‌کند که فرمود: «فجر آن قائم علیه السلام و لیال عشر ائمة علیهم السلام از حسن (مجتبی) تا حسن (عسکری) و شفع امیر مؤمنین و فاطمه (علیها السلام) و وتر آن خدایی که شریکی برای او نیست و «لیل» منظور دولت حبت است که تا دولت حضرت قائم علیه السلام ادامه دارد» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۴۹/۵؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۶؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۰۳/۷).

برخی از مفسران شیعه در اقوال ضعیف منظور از عشر را در این آیات دهه محرم می‌دانند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۷۳۶/۱۰؛ کاشانی، بی تا، ۲۳۰/۱۰؛ شاه عبدالعظیم، ۱۳۶۳ش: ۱۸۷/۱۴؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۳۶۲/۷؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۰۱/۱۴) اگر چه قول دهه ی ذی الحججه را قبول می‌کنند. (طوسی، بی تا، ۳۴۱/۱۰).

تعدادی از مفسران اهل سنت نیز در اقوالشان به دهه محرم اشاره می‌کنند؛ اگر چه بعضی از آنها این قول را ضعیف دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۸۰/۱۰۷/۸؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴۴۲/۷). دلیل نسبت "لیال عشر" به دهه محرم را این گونه بیان می‌کنند: به دلیل این که روز اول سال است و امور زیادی دوباره حادث می‌شود. مانند: حج، روزه، زکات و... و در روایات آمده که بزرگ‌ترین ماه‌ها نزد خدا محرم است. خبر می‌دهد که محرم از ابتدا تا آخر شریف‌ترین ایام است؛ به خصوص عاشورا که شریف‌ترین روز است و باید در آن روز روزه گرفت (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴۸/۳۱) و با فضیلت‌ترین ایام برای روزه بعد از ماه رمضان، ماه محرم است. یهود روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و می‌گفتند این روز بزرگی است که موسی در آن نجات یافت و آل فرعون در آن غرق شد و موسی به شکرانه آن روزه می‌گرفت. بر این اساس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ما احق به موسی از شما هستیم. پس رسول صلی الله علیه و آله روزه می‌گرفت و امر به روزه می‌کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله در روایت دیگر می‌فرماید: در مخالفت با یهود روز نهم و دهم را روزه بگیرید. اگر در روز عاشورا در سفر هستید نیز می‌توان روزه گرفت. روزی است که انبیاء روزه می‌گرفتند. روز عاشورا روزی است که یهود آن را عید



گرفتند. کسی که برای خانواده‌اش در این روز وسعت دهد، خداوند در طول سال بر او وسعت می‌دهد. از پیامبر نقل می‌کنند که فرمود: من اکتحل بالاثمد یوم عاشوراء لم یرمد أبدا (رک: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۷۷/۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۷۶/۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۱۰؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۲۳/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۶-۳۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۳۴/۱۵؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۳۹۰/۲؛ ایچی، ۱۴۲۴: ۴۸۴).

### ج) یکی از مصادیق "شفع"

از میان مصادیق مختلف، مفسران حدود پنج روایت را نقل می‌کنند که منظور از "شفع" امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند. اگر چه هیچ کدام به سند روایت‌ها اشاره‌ای نکردند (قمی، ۱۳۶۳ش: ۴۱۹/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۴۹/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۱/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۴/۵؛ شبّر، ۱۴۰۷: ۴۰۶/۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۱۸۸/۱۴؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۰۲/۱۴؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ۲۰۸/۱۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۰۴/۷). علامه طباطبایی در حالی که دیدگاه روز ترویبه و عرفه را قبول کرده است. در بحث روایات به دو روایتی که منظور از شفیع، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۷۹/۲۰).

### ۲. غیر معصومان

بعضی از تفاسیر شیعی و اهل سنت افراد دیگری را به عنوان شأن نزول یا تطبیق آیه ذکر کرده‌اند. گاهی حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و یا خلیفه سوم و یا حبیب بن عدی را شأن نزول آیه بیان می‌کنند. گاهی نیز اشاره می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله به خلیفه اول فرمود: هنگام مرگ تو، فرشته‌ای این آیه را می‌گوید، یا بیان می‌کنند هنگام مرگ ابن عباس، هاتقی این آیه را خوانده است. در روایات طولانی نیز اشاره شده که هنگام مرگ مؤمن شیعه اهل بیت علیهم السلام، این آیه خوانده می‌شود. براین اساس لازم است این روایات با مضامین مختلف بررسی گردد. اما باید این مسأله را در نظر گرفت؛ که برخی از مطالب از اجتهادات تابعین و یا اصحاب است و اساساً به کلام آنها نمی‌توان استناد قطعی کرد.

حمزه بن عبدالمطلب: بعضی از مفسران اهل سنت شأن نزول آیه را "حمزه بن عبدالمطلب" بیان می‌کنند. گاهی بعضی از مفسران تنها اسم او را می‌آورند و بعضی دیگر به نقل از "بریده بن الحصب" اشاره می‌کنند که حمزه کشته شده است. برخی دیگر بیان می‌کنند زمانی که حمزه در احد به شهادت رسید، این آیه در شأن او نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۰/۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰).



بعضی از تفاسیر برای مصداق "حمزه"، به غیر از موارد فوق، دو روایت همراه با سند بیان می‌کنند. اولین روایت: «ابن منذر و ابن ابی حاتم از بریده مصداق «نفس مطمئنه» را نفس حمزه بیان می‌کنند.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶) و در روایت دوم: «ابن فنجویه می‌گوید: موسی بن محمد از ابن علویه از اسماعیل از مسیب از ابراهیم از صالح بن حیان و از بریده حدیثی در ذیل این آیه نقل می‌کند که: منظور از نفس، حمزة بن عبد المطلب است که در روز احد به شهادت رسیده و نفس او نیز نزد پروردگار تکریم شده و خداوند به او آرامش و کرامت داده است.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۱۰). نقد و بررسی این مصداق، به دلیل وجه مشترک در قسمت «حبيب بن عدی» توضیح داده می‌شود.

خلیفه اول: تفاسیر اهل سنت یک روایت که مصداق آیه خلیفه اول است را با اسناد مختلف و محتوای گوناگون بیان می‌کنند. «یا آیتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة عند النبی صلی الله علیه و سلم، فقال أبو بکر: إن هذا لحسن، فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم: "أما إن الملك سیقولها لک عند الموت" (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۲/۳۰): در روایت آمده وقتی آیه نازل شد، ابوبکر به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: این چه زیباست؟ پس پیامبر فرمود: اما فرشته‌ای به زودی این آیه را برای تو هنگام مرگ می‌گوید.»

اختلافاتی که در این یک روایت به صورت ده گانه در تفاسیر اهل سنت بیان شده از جهت ظاهر روایت و همچنین در سند آن است. در محتوا تنها تفاوت در عبارت "این چه زیباست" که به دو صورت آمده است. «إن هذا لحسن» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۲/۳۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۱۵) و «ما أحسن هذا» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۸).

اسناد این روایت به گونه‌های مختلف آمده است: گاهی سند به طور کامل بیان شده «و أخرج عبد بن حمید و ابن جریر و ابن ابی حاتم و ابن مردویه و أبو نعیم فی الحلیة عن سعید بن جبیر قال قرئت عند النبی» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۱۵) و گاهی به گونه کامل آمده که تنها یک یا دو راوی متفاوت است: و قال ابن ابی حاتم: حدثنا علی بن الحسین، حدثنا أحمد بن عبد الرحمن بن عبد الله الدشتکی، حدثني ابي عن أبيه عن أشعث عن جعفر عن سعید بن جبیر عن ابن عباس «یا «حدثنا أبو سعید الأشج، حدثنا ابن یمان عن أشعث عن سعید بن جبیر قال: قرأت عند النبی صلی الله علیه و سلم» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۰/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۸) و گاهی همین سند به گونه‌ای مختصر بیان گردیده است. به طور مثال، با انداختن چند راوی مطرح کردند. «طبری از سعید بن جبیر» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۴/۳۰-۳۰۱) و گاهی اوقات نیز با تغییر چند راوی به گونه اختصار





آمده است. «أخرج ابن أبي حاتم و ابن مردويه و الضياء في المختارة من طريق سعيد بن جبیر عن ابن عباس» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

حتی گاهی در تعدادی از اسناد روایت، مشاهده شده که به طور کامل همه راویان حدیث، جز یک نفر (سعید بن جبیر) تغییر می‌کنند: «حدثنا أبو کریب، قال: ثنا ابن یمان، عن جعفر، عن سعید» (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص: ۱۲۲) یا «و أخبرنی ابن فنجویه قال: حدثنا ابن حمدان قال: حدثنا المسوحي قال: حدثنا عمرو بن العلاء الحنفی قال: حدثنا ابن یمان عن أشعث عن جعفر عن سعید» (کنز العمال: ۴۸۵/۱۲ ح ۳۵۵۹۱ و ما بین معکوفین منه) ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۱۰) یا «عن جعفر عن سعید» (الطبرانی، ۲۰۰۸م: ۵۰۰/۶) در برخی منابع نیز این روایت، بدون سند مطرح شده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۸۲/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۱/۳۱).

در انتهای بحث باید گفت که تنها یک سند روایت هست که با بقیه کاملاً متفاوت است: «و أخرج الحکیم الترمذی فی نوادر الأصول من طریق ثابت بن عجلان عن سلیم بن أبی عامر رضی الله عنه» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۱۵).

نقد و بررسی: اگرچه سند روایت از طریق سعید بن جبیر صحیح به نظر می‌آید، ولی این روایت از جهت محتوایی صحیح نیست؛ زیرا براساس مفهوم «نفس مطمئنه» که در ابتدای بحث از دیدگاه مفسران فریقین بحث گردید، «نفس مطمئنه» به کسی گویند که به آنچه خداوند وعده داده است؛ یقین داشته باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۳۰) و هیچ ترسی از آخرت ندارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۱-۳۰۴). در صورتی که موارد متعددی در اسناد امامیه موجود است که شواهدی در حیات خلیفه اول، مشاهده شده که نفس او مطمئن نبوده است؛ بلکه در شک به سر می‌برد. از جمله می‌توان ماجرای غار ثور را بیان کرد که در سوره (توبه: ۴۰) به آن اشاره شده که خلیفه اول می‌ترسید (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۱/۹). یا فرار او در جنگ أحد مصداق دیگری است (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ۲۶۳/۳؛ پیشوایی، ۱۳۹۶ش: ۲۴۰ و ۲۸۹). حتی در زمان رحلت پیامبر که ایشان دستور دادند با سپاه اسامه به جنگ روم بروند، خلیفه اول از جمله کسانی بود که از این فرمان سرپیچی نمود (همان: ۳۲۴).

خلیفه سوم: بعضی از مفسران اهل سنت به غیر از حمزه، خلیفه سوم را نیز ذکر کرده‌اند: «زمانی که چاه روم را بخشید یا هنگامی که چاه روم را خرید برای اهداف خیریه وقف کرد.» این روایت را با سند (نزلت فی معین، فعن الضحاک عن ابن عباس) بیان می‌کنند. گاهی نیز "خلیفه سوم" به تنهایی مصداق آیه قرار گرفته؛ که برای استناد به آن روایاتی همراه با سند در ذیل اشاره می‌گردد.



سه روایت به‌طور اختصاصی در تفاسیر اهل سنت، در مورد خلیفه سوم آمده است. روایت اول: «و إن أخرج ابن أبي حاتم من طريق جوبير عن الضحاک عن ابن عباس أنها نزلت فی عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه حین اشتری بئر رومة و جعلها سقایة للناس» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۱۵) روایت دوم با همان سند روایت اول آمده فقط بیان می‌کند که ابن عباس روایت را از پیامبر نقل می‌کند و روایت را طولانی‌تر و این‌گونه بیان می‌کند: «و أخرج ابن أبي حاتم من طريق جوبير عن الضحاک عن ابن عباس رضی الله عنهما أن النبی صلی الله علیه و سلم قال: «ضحاک از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: کیست چاه رومه را بخرد و با این عمل خود، هم آب گوارا بنوشد و هم مورد آموزش خدا قرار بگیرد. عثمان آن را خرید. پیامبر ﷺ به او فرمود: آیا می‌توانی این چاه را محل آبخوری مردم قرار دهی؟ عرض کرد: بله، آن‌گاه خداوند آیه «یا ایها النفس المطمئنة» را در شأن عثمان نازل کرد.» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

روایت سوم از سند دیگر از ابن عباس این مصداق را بیان می‌کند. «و أخرج ابن مردويه عن ابن عباس رضی الله عنهما فی قوله یا ایها النفس المطمئنة قال نزلت فی عثمان بن عفان رضی الله عنه» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۶).

نقد و بررسی: در سند روایتی که خلیفه سوم را شأن نزول آیه ۲۷ سوره فجر می‌داند، جز ضحاک و ابن عباس باقی زنجیره راویان ذکر نشده‌اند، علاوه بر آن، روایات ضحاک بن مزاحم هلالی (ه۱۰۵) از ابن عباس ضعیف است؛ چون ضحاک بن مزاحم ابن عباس را ملاقات نکرده است (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ۴۵۹/۴-۴۵۸؛ مزی، ۱۴۱۳: ۲۹۴/۱۳) و بعضی ضحاک را تضعیف می‌دانند (مزی، ۱۴۱۳: ۲۹۳/۱۳). در سند دومی که این روایت نقل شده، ضحاک از طریق جوبیر این روایت را نقل می‌کند، این روایت دچار ضعف شدیدتری است؛ چون جوبیر، سخت ضعیف و غیر قابل اطمینان است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۲۱/۲).

افزون بر تضعیف سند روایت، اولاً: جدا ساختن آیه ۲۷ از ادامه آیات و ادعای نزول آن بدون توجه به آنها، ادعایی غیر قابل اثبات است؛ چون اگر نزول یکپارچه سوره فجر مورد تردید باشد، هم سیاق بودن آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر، واقعیتی است که نمی‌توان در آن تشکیک کرد. ثانیاً: سوره فجر دهمین سوره‌ای است که در مکه نزول یافته است (دروزه، ۱۳۸۳: ۵۰۷/۵؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۳۰۸) و «بئر رومه» چاهی در درّه مدینه می‌باشد که گفته‌اند خلیفه سوم آن را خریده و صدقه داد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ۲۹۹/۱).



حبيب بن عدی انصاری: شخص دیگری که مفسران به عنوان مصداق آیه بیان می کنند، "حبيب بن عدی انصاری" است. آنها اشاره می کنند که در چه موقعیتی از زندگی "حبيب" این آیه نازل شده است. «در حینی که اهل مکه او را به دار کشیدند و روی او را به مدینه کردند او گفت که (اللهم ان كان لي عندك خير فحول وجهي نحو قبلتك) بار خدایا اگر مرا نزد تو منزلتی هست روی مرا به قبله کن حق سبحانه روی او را به قبله گردانید و هیچ کس قدرت آن نداشت که روی او را از آن برگرداند و به جانب دیگر کند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۷/۱۵؛ کاشانی، بی تا، ۲۴۶/۱۰؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۲۰۸/۱۴).

- نقد و بررسی: عده ای از مفسران اهل سنت، بعد از بیان مصادیق حمزه، حبيب بن عدی، و خلیفه سوم؛ نتیجه می گیرند که پذیرفتن این مصادیق اقتضا می کند که آیات در مدینه نازل شده باشد. در صورتی که خودشان در ادامه می گویند: اتفاق اقوال این است که سوره فجر در مکه نازل شده است. ابن عاشور می گوید: مگر این که "دانی" از بعضی از علماء نقل کرده که سوره مدنی است و یا بنابر این که آیه منفصل از آنچه قبلاً مکتوب شده؛ باشد یا آیه با توقیف خاص، به دنبال ماقبلش به مناسبتی نازل شده باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰۴/۳۰-۳۰۱).

بعضی دیگر از مفسران بعد از بیان این اقوال، بیان می کنند که حکم آیه برای جمیع مؤمنان است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۱۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۴۲۹/۷؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۲۸/۴). براین اساس اظهار آن است که آیه بر عموم دلالت کند و اگر نزول آن مخصوص به حمزه یا حبيب باشد، حکم آن عام خواهد بود و کسانی که متصف به این صفت هستند را شامل می شود (کاشانی، بی تا، ۲۴۶/۱۰؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۲۰۸/۱۴). فخر رازی نیز بعد از بیان مصادیق، گفته به عموم لفظ باید عبرت گرفت نه خصوص سبب آن (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۱/۳۱).

بنابراین مصادیق حمزه، حبيب و خلیفه سوم مردود هستند؛ زیرا بنا بر اقوال اکثر مفسران شیعه و اهل سنت، سوره فجر مکی است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۸۰/۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۵؛ هواری، ج ۴، ص ۴۵۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۷۷/۳؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۲۸/۴؛ کاشانی، بی تا، ۲۲۹/۱۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۶۷۳/۳؛ حائری، ۱۳۸۸ش: ۱۳۶/۱۲؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش: ۴۸۶/۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۱۸۵/۱۴؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۳۶۲/۷؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ۲۰۸/۱۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۰۲/۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴۴۲/۷).



ابن عباس: بعضی کتب اهل سنت، تنها یک روایت از سعید بن جبیر آوردند که این آیه در زمان وفات ابن عباس، توسط هاتقی شنیده شده است: «و أخرج ابن أبي حاتم و الطبرانی عن سعید بن جبیر رضی الله عنه قال مات ابن عباس رضی الله عنهما بالطائف (بعضی این قسمت نیز در روایت ذکر کرده‌اند "فشهدت جنازته") فجاء طیر لم تر عین خلقتة فدخل نعشه ثم لم یر خارجا منه فلما دفن تلیت هذه الآية علی شفیر القبر لا یدری من تلاها یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی: وقتی چون عبدالله بن عباس در طایف وفات کرد مرغی بیامد که بر شکل وی کسی ندیده بود و در نعش وی رفت و بیرون نیامد و در آن وقت که او را دفن کردند بر سر قبر وی از هاتقی می‌شنیدند که می‌گفت: یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۶؛ ایجی، ۱۴۲۴: ۴۸۴؛ خازن، ۱۴۱۵: ۴۲۸/۴؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶؛ کاشانی، بی‌تا، ۲۴۷/۱۰؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴۴۲/۷). بعضی روایات به جای «لا یدری من تلاها»، «لم یدر من قرأها» (بغوی، ۱۴۲۰: ۲۵۴/۵) آورده‌اند.

بعضی از مفسرین همین روایت را با یک سند دیگر بیان کرده‌اند: «حدثنا أحمد بن محمد بن یعقوب القصری بها قال: أخبرنا إسماعیل بن محمد بن إسماعیل بن بغداد قال: حدثنا الحسن بن عرفة قال: أخبرني مروان بن شجاع الجزري، و أخبرني ابن فنجويه قال: حدثنا ابن شنبه قال: حدثنا محمد بن علی بن سالم قال: حدثنا أحمد بن منبج قال: حدثنا مروان عن سالم الأفطس عن سعید بن جبیر» (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۸؛ ابن‌ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۱/۱۰).

نقد و بررسی: عبدالله بن عباس سه سال قبل از هجرت متولد شده است. لذا آیه ۲۷ سوره فجر که در مکه نازل شده، نمی‌تواند شأن نزول آیه باشد. از نظر سندی، تنها روایتی که در این زمینه آمده به سعید بن جبیر می‌رسد که او از تابعین و شیعیان امام علی علیه السلام و از شاگردان ابن‌عباس است و در رجال ثقه به حساب می‌آید (کشی، ۱۴۰۷: ۱۲۰).

تطبیق مصداق ابن‌عباس با آیه امکان صحّت دارد؛ چون ابن‌عباس از مفسران بزرگ و از عالمان به تفسیر و رموز قرآن است و فراست و زکاوت او تا اندازه‌ای است که امام علی علیه السلام درباره او فرمود: «گویی از پشت پرده به غیب می‌نگرد» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۱۵۳/۲). ابن‌عباس پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جبهه امیرالمؤمنین علیه السلام بود و بیشترین شاگردی و علم آموزی وی، از امام علی علیه السلام بوده است. براساس این تحلیل، ابن‌عباس به‌عنوان یک شیعه اعتقادی تمام عیار و ولایت مدار برای امام علی علیه السلام به حساب می‌آید (آیت‌اللهی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۹). سخن ابن‌عباس هنگام مرگش را مرحوم



کشی در رجال خود این گونه ثبت کرده است: «اللهم انی احیی علی ما حی علیه علی بن ابی طالب و اموت علی ما مات علیه علی بن ابی طالب» (کشی، ۱۴۰۷: ۱۲۰). اما باید دقت شود که تطبیق، غیر از تفسیر است؛ زیرا تطبیقات میدان وسیعی دارد و هر کس به خیال خودش تطبیق می‌کند. ولی این‌ها خبر از اراده خداوند از آیه نیست.

مؤمن شیعه اهل بیت علیهم‌السلام: روایت طولانی در کتب شیعه وجود دارد که بیان می‌کند؛ عنوان «نفس مطمئنه» به شیعه اهل بیت علیهم‌السلام هنگام مرگ ندا داده می‌شود: «تعدادی از اصحاب ما از سهل بن زیاد از محمد بن سلیمان از پدرش از سدیر صیرفی روایت آورده که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتم: فدایت شوم، یا بن رسول الله آیا مؤمن از مرگ و قبض روح خود کراحت می‌دارد؟ فرمود: نه به خدا سوگند، وقتی فرشته مرگ نزدش می‌آید تا روحش را قبض کند، مؤمن به جزع در می‌آید، و ملک الموت به او می‌گوید: جزع مکن، ای ولی خدا، به آن خدایی که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به نبوت مبعوث کرده من نسبت به تو دلسوزتر و مهربانتر از پدری مهربان هستم، اگر پدرت اینجا بود بیش از من به تو مهر نمی‌ورزید، چشم خودت را باز کن و ببین. آن گاه فرمود: در آن هنگام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و امامان از ذریه او در برابرش ممثل می‌شوند و به وی گفته می‌شود: این رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و این امیرالمؤمنین و این فاطمه و این حسن و این حسین و اینان امامان از ذریه اویند، که همه رفقای تو هستند. فرمود: پس مؤمن چشم خود باز نموده حضرات را تماشا می‌کند، در این هنگام ندا کننده‌ای از طرف رب العزة روح او را ندا می‌کند و می‌گوید: "یا أيتها النفس المطمئنة..."، ای نفسی که با دیدن محمد و اهل بیتش علیهم‌السلام اطمینان یافتی، به سوی پروردگارت برگرد، در حالی که به ولایت راضی و به ثواب مرضی هستی، پس داخل در بندگان من شو، یعنی در زمره محمد و اهل بیتش در آی و داخل جنت شو، پس در آن هنگام هیچ چیزی در نظرش محبوب‌تر از مرگ و ملحق شدن به منادی نیست» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۹/۵؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ۴۲۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۷۹/۲۰؛ نهایندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۲۰۸/۱۴؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۱۴/۱۴؛ شبّر، ۱۴۰۷: ۴۰۹/۶؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۶۷۷/۳) (مجلسی، ۱۹۶/۶ روایت ۴۹ به نقل از کافی (با اندکی اختلاف) و نیز شبیه به این مضمون در ج ۲۴ ص ۹۴ روایت ۷ به نقل از شیخ صدوق).

فراوات کوفی همین روایت را با تغییرات جزئی و اسناد مختلف به دو صورت بیان کرده است. روایت اول را از قول ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است و روایت دوم «فراوات نقل کرده از محمد بن



عیسی بن زکریا دهقان از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش نقل کرده که از افریقی شنیده که می‌گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم و...» (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۴-۵۵۳).

مانند این حدیث با سندی متفاوت در تفاسیر شیعه نیز بیان شده است. «أبو جعفر محمد بن بابویه (فضائل الشیعة: ۲۴/۶۷) عن أبیه، عن سعد بن عبد الله، عن عباد بن سلیمان، عن سدید الصیرفی، قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ قرشی، ۱۳۷۵ش: ۲۲۵/۱۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۱۲/۷).

- نقد و بررسی: ارزیابی اولین روایتی که پیرامون مصداق مؤمن شیعه اهل بیت علیهم السلام نقل شد؛ مشخص گردید: این روایت، به خاطر غلو محمد بن سلیمان و غلو و کذب پدرش، مسند و ضعیف می‌باشد (کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۲). ولی روایات دیگری با اسناد مختلف وجود دارد که همین مضمون را بیان کرده‌اند.

بنابراین با توجه به تعریف «نفس مطمئنه» از دیدگاه فریقین و نقد و بررسی اکثر مصادیقی که در این زمینه بیان شد؛ مشخص گردید که این آیه شأن نزول خاصی نداشته است و در تطبیق مصداق آن بر افراد، در دوره‌های زمانی مختلف، هر کسی شایستگی و لیاقت مطابقت با «نفس مطمئنه» را ندارد. اگر چه یک حدیث از منابع شیعی و حدیث دیگر در منابع اهل سنت در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شد ولی مصداق اتم و اکمل این آیه اوست.

## نتیجه‌گیری

براساس بررسی روایاتی که ذیل آیه بیست و هفت و بیست و هشت سوره فجر آمده، مشخص گردید؛ مفسران افراد متعددی از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، حمزه، خلیفه اول، خلیفه سوم، حبیب بن عدی، ابن عباس و مؤمن شیعه اهل بیت علیهم السلام را به‌عنوان تطبیق یا شأن نزول مصداق «نفس مطمئنه» بیان کردند. در این مقاله، روایات هر یک از مصادیق به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و روشن گردید:

۱. بعضی از این روایات از جهت سندی ضعیف هستند. ولی روایات دیگری با سند کامل در کتب شیعه آن را تأیید می‌کند.



۲. بعضی دیگر از روایات اگر چه از جهت سندی با وجود شخصیتی مانند سعید بن جبیر صحیح هستند ولی از جهت محتوایی نمی توان مصداق را به «نفس مطمئنه» تطبیق داد.
۳. مصادیق حمزه، حبيب بن عدی و خلیفه سوم به خاطر مکی بودن سوره، روایات بر آن تطبیق نمی کند. افزون بر آن روایات خلیفه سوم ضعیف است.
۴. هیچ یک از مصادیق نام برده، شأن نزول آیه به حساب نمی آیند.
۵. تعدادی از روایات که مصداق امام حسین علیه السلام را بیان کردند؛ اگر چه از نظر سندی ضعیف هستند ولی با توجه به مفهوم «نفس مطمئنه»، روایات فضیلت سوره و سیاق آیات دیگر سوره فجر از جمله مصادیق «شفع» و «لیال عشر» اثبات می گردند.
۶. اگر چه بعضی از مصادیق مذکور را می توان بر آیات تطبیق داد و حتی بعضی مفسران بر تطبیق عموم آیه اشاره می کنند؛ ولی مصداق اتم و اکمل آیه، معصومان علیهم السلام به خصوص امام حسین علیه السلام هستند.
۷. براساس این مقاله مشخص گردید؛ کارکرد روایات تفسیری و روشنگری در مورد مصداق آیات نیاز به کار بیشتری دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳. استرآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحرير و التنوير، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، (۱۴۱۹ ق).
۹. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الاثمه، قم: دارالاحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۱۱. آیت‌اللهی، سیدعلی، جریان شناسی تشیع در قرن اول: بررسی موردی رویکرد اعتقادی ابن عباس و عباسیان به امامت، امامت پژوهی، پاییز و زمستان، شماره ۲۴، ۱۳۹۷.
۱۲. ایجی، محمد عبدالرحمن، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت: دار احیاء التراث





- العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۵. بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم، ۱۳۶۶.
۱۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۷. بیهقی، (۱۴۰۵ق. دلائل النبوة، بیروت: دارالکتبة العلمیة، چاپ اول.
۱۸. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامب (ص. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۶.
۱۹. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۱. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۳. حائری طهرانی، مقتنیات الدرر، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۳۸.
۲۴. حجتی، سید محمد باقر، تحقیق درباره ابن عباس و مقام وی در تفسیر، مقالات و بررسی ها، بهار، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۵۳.
۲۵. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۲۶. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۷. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، قم: الثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۲۸. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، إحياء الکتب العربیة، ۱۳۸۳.
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الأئمة الأطهار (ع. قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم: نشر شریعت، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۳۱. سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ



- اول، ۱۴۰۶ق.
۳۲. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: ناشر دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۳۵. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳۶. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت، شركة مكتبة الالفین، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۷. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، دمشق، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۸. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اردن، دارالکتاب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۴۱. طیب، عبدالحسین، اظیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۲.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت: چاپ اول، بی تا،
۴۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، عربی، لبنان، نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۴۶. غفوری، حسین، تفسیر تطبیقی روایی سوره‌های فجر و بلد از اهم تفاسیر مآثور فریقین، استاد



- راهنما: عبدالهادی مسعودی، دانشکده علوم حدیث، رشته علوم حدیث، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰.
۴۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۴۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۵۰. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۵۱. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ۵، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.
۵۲. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنج، ۱۴۲۵.
۵۳. قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۵۵. فتاحی زاده، فتحیه، اعتبارسنجی روایات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی، مطالعات اسلامی، شماره ۸۰، ۱۳۸۷.
۵۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجره، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵۷. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳.
۵۸. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ اول، بی تا.
۵۹. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره). چاپ اول، ۱۴۱۰.
۶۰. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، مؤسسه دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹.
۶۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۶۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث



العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۶۴. محمد جعفری، رسول، هادوی، اصغر، نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول  
سوره‌های نبأ تا فجر، مطالعات فهم حدیث، زمستان، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۶۵. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الكمال، تحقیق: بشارعواد معروف، بیروت: مؤسسه  
الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۶۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵.
۶۷. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، بیروت: نشر هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶۸. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۹. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۷۰. هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، دار البصائر، بی جا، چاپ اول، ۱۴۲۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی